

کوشش نامتنتی

روزنامه بیخ‌دسته حزب و جبهه یسکی نادره

روزهای دوشنبه منتشر میشود

گدام راه را باید انتخاب نمود

نقش رهبری امریکا

برای کسانی که آرزو مندند
گردستان قدم‌های سریع و مؤثری در
راه ارتقایی بردارد و برای کسانی که
خواهان سادگی گردستانیاند هر اتفاق
و حادثه‌ای که موجب جدایی و تفرقه و
پایان یافتن و دودستگی باشد تاثر آور
است.

نظایر و دو دستگی تاثر آور است
برای اینکه مردم را بجای کوشش در
پیروی اوضاع بیادوات داخلی سرگرم
می‌سازد مبارزه و زنده گانی ملل و اقوام
عترتی بسیار ضروری و لازمه حیات
مردمان زنده و پیدار است. مبارزه
بسیار نافع است هر گاه اصولی صحیح
استوار بوده دارای هدف مقدس باشد
ولی هر گاه مبارزه بر سر مطالب
کوچک باشد باید بر آن نام مبارزه
نماند. دعوا و مراسم گذشت

تاریخ چند سال اخیر مستحق پیش
از چند مبارزه اصولی و تبت سوده
بهره‌رسانی که حقه مبارزه، پیروز گشته
بیشتر از اختلافات شخصی و خصوصی
سرچشمه یافته و به نفع یا ضرر دسته‌ای
تمام شده بدون اینکه نتایج ماندنی از
آن عاید مردم گردد

با وجود اینکه نتایج تلخ گذشت
با نشان داده که صلاح کلیه طبقات
در سبب و توافق نظر است و بسا
وجود اینکه مردسته‌ای بنویس خود کرده
تخلی و ناگوار اختلاف را چشیده و از
آن خاطرات اسف آوری یاد دارند
جای تأسف است از اینکه بجای پند گرفتن
از گذشته همان رویه خائنانه برانداختن
و تحقیر نمایند

وقتی سوه تقاضا و با اختلافی میان
دو طرف یاد و دست بوجود میاید وظیفه
مسئلمین است که از گسترده شدن دامنه
آن جلوگیری نمایند. ایجاب باید کوشش
کنند که سوه تقاضا با اختلاف حاصل
مرتفع گردد تا انگار صوملی پیوسته
آحاد هم آهنگی باشد

گره مستلما غراب و بران و عقب
مانده است. این اوضاع وقت پار پاینده
به دست ما کسین آن، بدست مردمان شایسته،
به دست خشیست های با تجربه و بهیست
چوران در ششنگران، تغییر باید و همه
میادیم که تغییر دادن با موضوع آنجا
مستلوم کوشش فراران و فدا کارهای
زیاد میباشد. ولی کوشش و فداکاری
انجام نخواهد گرفت مادام که مناسر حساس
و روششنگر و مونر این جامعه مسیسی و
هم آهنگ نباشند. پس بنا بر این اولین
قدم اسلامی و اولین سنگ پایه ترنسی
گردستان ایجاد سبب میان طبقات مختلفه

میباشد و در این وظیفه اساسی و بزرگ
است که مردمان با تجربه و مورد اعتماد
مردم باید مسامی خود را مبدول دارند
اواخر هفته گذشت تلنگرانی از
گردستان دریافت داشتیم که ۵۸ نفر
از سترترین آتیا آرا امضا و مشافیه
کرده بودند و در آن با لحن تند و
زنده‌ای به اقدامات آتیا یانی که به
تهران آمده بودند تا با اولیای امور
واجم به گردستان مذاکره نمایند اعتراض
کرده بودند. متعالب آن، پس از
۲۴ ساعت تلنگرانی دیگری متعالف
تلنگرانی اول از عده ای رسید که معلوم
بود عکس العمل تلنگرانی اول است اگر
چه میان مشورین های دو تلنگرانی رسیدیم
امضاء کنندگان آن اختلافات فاحشی
دیده میشد و بیایست از لحاظ رعایت
اصول هر دو تلنگرانی را چسپ کنیم
ولی چون پیچیده مایل نیستیم آتیا
اختلاف دامن زده شود و مقدمه مبارزات
تعلی که به زبان گردستان است فراهم
گردد از چسپ آن سر نظر سوده و
بجای آن صلاح چنین داشتیم که طرفین
را به خودداری از ادامه این رویه
دعوت سوده تا کتیه کنیم زمامی نوم
مسامی خود را در راه رلع سوه تقاضا و
اختلاف بیکار برند.

امروز وظیفه هر فرد روششنگر
گردستانی این است که دست اتحاد و
برادری بسوی دیگری دراز کند و
اگر احیانا سوه تقاضا ایجاد هود با
بیروی گذشت آتیا از میان برداشته
صیبت و دوستی جای گزین آن نماید.

در این روزها که مسکن است
دولت را متوجه اصلاحات ضروری در
گردستان سوه جای بسی تأسف خواهد
بود اگر سترترین آتیا بجای تلاش در
تأمین آسایش و راحتی مردم به دعوا و
مبارزه پرداخته در سده خراب کردن
یکدیگر باشند. ادامه جریان هتکه گذشت

مسکن است سوه طرفی و به زبان طرف
دیگر خانه پایه ولی این پایان، پایان
امر نیست بلکه مقدمه اختلافات شده
آتیه خواهد بود.

تا اینجا ما وظیفه خود داشتیم از
لحاظ غیر خواهی جامعه تلنگرانی بدیم
و چون میادیم اشعاسی که باید در این
کار تصمیم بگیرند صوما با تجربه و کار
دان هستند تبیین روش را بعهده خود
آنان می‌گذاریم ولی انتظار داریم پایه
آوردی های بی طرفانه ما در هر دو دسته
مؤثر واقع شده صلاح گردستان و مردم
را بیشتر مورد توجه قرار دهند

در هفته پیشی ژنرال جرج مارشال
۶۷ ساله‌ای که از ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۴
معاون ژنرال پوشنیک از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷
نایبده امریکا در پاریس سوده در
سال ۱۹۳۷ به معاونت ستاد ارتش امریکا
منتوب شد و از سال ۱۹۳۹-۱۹۴۵
رئیس ستاد ارتش امریکا گردید و در
سال ۱۹۴۵ بست. نایبده مخصوص
رئیس جمهور مامور چین شد و بعدایت
و خردمندی نون‌المامه زیاد معروف است
حسن تشریفات مونر و جذابی دور و اوت
حال و مراسم تحلیف را بیجا آورد.
برزدینه ترومن به وزیر امور خارجه
جدید امریکا چنین گفت: اگر چه من
بسیار متعالمم که برنس ناگزیر بکناره
گیری از کار گردید. در همین حال
احساس میکنم که وظیفه بزرگ وزارت
امور خارجه امریکا اینکه در دستهای
حایت قرار بگیرد و روح وظیفه شناس
هسا را که حاضر قبول این
عسولیت بزرگ عهده تقیر میکنم

ژنرال مارشال که از این پس رهبر
سیاست خارجه امریکا خواهد بود اظهار
نمود که من انتظار و اعتمادی را که شما
است بین قائل شده‌اید بیشتر نندیسر
میکتیم و می‌خواهم کشود که وظیفه
خود را به نیکوترین وجهی انجام دهم
هنگامی که مسئله تبیین وزیر امور خارجه
امریکا پیش آمده نظر براه گوناگونی
در آورد پیدا شده ولی بیانات ژنرال
مارشال که میگوید در سیاست خارجه
من بیرو دست تقدیم برنس خواهام بود
تأثیر عین و هگرف خود را بر آن تبیل
افکار بهیست، از این سخن رادر آمادگی
ایدیولوژیک و سیاسی اذهان و افکار
صوملی جهان به منظور اطمینان به سیاست
آزاد بخوانه امریکا باید جستجو کرد
تاریخ ماسرود و جنگ مداوم با اذرای
پاس و ناامیدی تسیب ملل جهان سوده
است که اکنون تنها عده از ملل هستند
که ارزش برای مشاورات و پیمانهای
سیاسی قائلند و از آنجا باز گروهی
تصور میکنند، زمانی که دول بزرگ
منافع جهانی خود را تأمین نودند
افکارات و استقلال دول کوچک را
مورد کسخر قرار میدهند. از نظر
امریکا، سازمان ملل متفق باید دارای
چنان وزن اجناسی در جهان گردد
که نظریات او در همه جا مرجع آرز گردد
هنگام صلح اصلاحات عظیمی در مناسبات
ملل باید رخ دهد که بقیت صرف سر
رونت و انرژی بیارزد و از بروز جنگ
نوبنی جلوگیری کند همچنین نظر
امریکا اینست که امریکا نس می‌تواند
استقلال و حیات اجناسی سیاسی دول

کوچک را نادیده انگارد زیرا نظریات
سیاسی و اختلافاتی که در گذشت موجب
جنگ گردیده بوده دوباره مینوانند
بنوان یک نیروی امریسی عرض الام
نموده و جنگ خونین دیگری را دامن
پزنده، هینتور امریکا متوجه است
که استرا و نظم دموکراسی جهان
را تنها ارتش و بیروهای دریایی تسبیب
نسیکند بلکه صلح و آزادی نسکی است
پوضع اقتصادی روشن و صحیح و مساعدت
های بازرگانی و توازن اصول اقتصادی
و خلاصه تمام نوای صلح و روحانی بشر
پرزدهت ترومن میگوید: ما نباید
عدالت بین المللی را که در مشورین ملل
متفق تخسین شده حفظ کنیم و معتقد است
که اگر پایه اقتصادی و سیاسی و اجناسی
بطور استوار بنیاد گزرای هوسه
فلسفه خارجه صلح در تمامی کشورهای
جهان رعیت خواهد شد.

این نظریات اساسی ملت بشر دوست
و آزاده امریکا است برای همه جهان
و آن نور نظریات خفیه و کوچک است
که شرایط محیط خود بشر بی برده‌اند،
چنگهای اخیر برای جهان اندر زکرا ابیانی
بودند، فقط راهی که با حکیمانی و
خردمندی توأم است صلحی که با توجه
بشرایط محیط تنظیم میشود، مینواند
مفید نتایج مطلوب گردد، اولین وظیفه
ملل کیتی همکاری سیمانده در راه ایجاد
یک صلح دائم و انتساب اسلوب صحیح
برای چنین سازمانی است. این اصول مبار
فکر سیاسی جهان آزاد است. باید در
پناه صلح دائم آزادی پیش رود و در
سراسر عالم بشر رود و پایه های
دانش و دموکراسی در تمامی جهان
منتشر گردد.

این کار را کاملاً میتوان کرد،
ما هم چنانکه باین موضوع در امریکا
توجه کرده میشود تمامی ملت امریکا در
این مهاده پیشند که چگونه صلح و آزادی
را حفظ کنند، امریکا با دست مسالی که
دارد به کشورهای جهان وام میدهم
۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار برای بسود
امور بین المللی و هزینه‌های مربوط بآن
منظور میدارد و بی‌تقصه مهمم این
مبلغ را برای کمک بکشورهای آسیب
دیده از جنگ مصرف مینماید. پرزدهت
ترومن برای اجراء برنامه بین المللی
و بقاء صلح و امنیت دنیا و همچنین
حصول صلح و حسن تقاضا حقیقی بین
ملل جهان لزوم این مصارف را حتمی
داند، ترومن میگوید: ما باید تمیذات
خود را نسبت بقرار داده‌های که با دول
جهان داریم با انجام برسانیم ما موظفیم
بقیه در صلحه ۷

وینا و ایران در هفته گذشته

کشور کهنسال چین و هنگامه جنگ جهانی سوم

کشور کهن سال چین را از لحاظ تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی با تران و شوادهی که در دست بودتشریح نمودیم.

از تاریخ ماسر چین نیز با وضوح تمام سخن گفتیم. تراجیع بنامیات سیاسی چین و جهان، و سرکات قانونی و تاریخی و تصادمات آینه‌ها با مبارزه ای که در این منطقه حساس و هگمت وجود دارد بحث نمودیم و اکنون می‌خواهیم مسئله «غیر قابل حل بودن تضادهای سیاسی و اجتماعی متنازع بین احزاب سیاسی چین» و وضع آینده کشور آسیای چین را تا آنجا که از لحاظ تاریخی میسر و معلوم است مطرح کنیم.

بنیاد کشوری بنام چین و آن رفاه و سعادت اجتماعی که توده‌های شگرف چین در جستجوی آنست محمول و منظور واقعی در حزب کمونیست و کومین تانگ میباشد ولی برای وصول بساین هدف و مقصد مشترک احزاب چین دو مسیر و دو راه مختلف اختیار نموده‌اند و از اینرو آشکارا شده‌های جنگ داخلی از راه این تضادها اختلافات شده و از این جهت برای صلح ناپایم هم مایه کشور های بیگانه که صلاح خود را در بسروز و وجود جنگجوی داخلی بین ملت چین میدانند میگرد. از نظریات ژنرال مارشال باختلافاتی که در شرایط کنونی «حل مسئله چین» وابسته بآن میباشد می‌توان گفت برده، نظریات ژنرال مارشال از در نظر مرجع آثار است.

۱- مناسبات سیاسی آینده آمریکا و چین را خواهدا خواهد بود.

۲- سازمان و اشکال سیاسی و کوهش هائی که برای اتمام نظر و جهان انترائی که دو زندگی اجتماعی احزاب سیاسی چین وجود دارد آشکار خواهد کرد.

نتیجه حاصله از اظهارات ژنرال مارشال برای نخستین بار از میان ابویه تاریخ پدیده های سیاسی مردوانع بین و اتحاد تیسو و کشف روش سیاسی آینده آمریکا در چین خواهد بود، بیانات ژنرال مارشال در تشریح وضع سیاسی بین اینطور آغاز میگردد

۳- این بستی که در ایجاد وحدت بین کمونیست های چین و دولت مرکزی بوجود آمده در از مخالفت های ناصر اطرائی هر دو طرف است، در وهله اول بزرگترین مانع راه صلح سوهنن کامل و شدیدست که کمونیست های چین و حزب کومین تانگ نسبت بیک دیگر دارند، از یکطرف رهبران دولت شده‌ها با هر نوع رژیم کمونیستی مخالفتند و از طرف دیگر کمونیست ها سرچما اظهار میدارند که مارکسیست میباشدند و در نظر دارند که مالا رژیم حکومت کمونیستی را در چین مستقر سازند

گرچه در آغاز کار از طریق رژیم هائی شبیه رژیم های آمریکا و با انگلیس بکار خواهنده پرداخت، افراد برجسته حزب کومین تانگ تقریباً هر نوع کوهشی را برای ایجاد حکومت اتلانن عظیم می نایند، لیبرال ها و رادیکال ها طرفدار کمونیست ها هستند و تنها راه حل آنست که لیبرالها در حزب دولت و در احزاب اقلیت همسده داو دل و رهبری کرده‌ند و قطعاً اقدام موقفانه این عناصر تحت رهبری ژنرال پمپیان کای شک و از طریق اداره صحیح منجر بانهاد خواهنده شد، کمونیست هادر مجلس مؤسسان شرکت نموده.

عناصر نظامی در چین نفوذ شگرفی دارند و این عناصر مؤید ضعف اداره کشور است، روش اخیر حزب کمونیست نیز محققاً نشانه عدم تأیید آن سازش عادلانه است، بین نظریات مرتجعین دولت مرکزی و کمونیست های آتش تابشگر که پایه گت در ماه فوریه سال گذشته بدین وضع بوده مسئله مهم تری وجود دارد و آن اینست که چگونه برای توده های رنج دیده مردم چین که در حال حاضر تهن بیان مقاصد خود را ندارند زندگی مرته و صلح آمیزی فراهم گردد. سرچنین دولت چین بدون توجه به ملیاتی که میکنند ظاهراً خود را متکی بکمیس آمریکا میدانند و نیز محققاً کمونیست ها که بیچونجه عدم تأیید سازش بتغ متابع ملی نشان نیده‌ند انتظار دارند که اختلال امور اقتصادی سبب سقوط دولت گردد.

با این ترتیب تقاضا چین زودی سازمانش هوش خواهد شد و البته این اوضاع بست باین خواهد بود که دولت تاج خد سببانه الاحزاب دیگر استقبال کند.

برای تجسم وضع تاریخی آینده چین باد آورده این انفجارات مسلم و تاریخی لازم بود و در مقاله هفته آینده که آخرین قسمت بحث ما خواهد بود اصولی را که بین توده‌ها و آینده را مجسم مینمایند تشریح خواهیم کرد.

هفته پیش

در ایران ما چه گذشت؟

هر چه زودتر مجلس افتتاح خواهد شد

پارلمان و مجلس ملی در دوره‌های اول مشروطیت جایگاه نایندگان ملت و تبه آزادبخواهان بود و بعداً بالفلسوف در دوران سیاه دیکتاتوری بصورت گریزه از آزادی و دموکراسی و مغربی از آنچه انکار اجتماع شده آنچه امروز خواهد بود تقاضا عتی قوی برای عدم انعکاس افکار واقعی توده های ملت است.

حلت واقعی پیشتر این امر را باید در خود مردم جستجو کرد پارلمان سا تاکنون و پیشتر زنده افکار مایوسانه

همه‌ای بوده است که این صحنه را منحل و فردی برای ارتقاء و موفقیت شخصی خود میدانست اند ولی در بیا زود چون سایر مشاهیر اجتماع این دیر دور افتاده بود و که گوی خواهد شد و مقدمه برای استقرار حکومت مردم بر مردم خواهد کرده بد.

بهر تقدیر انتصابات دوره پانزدهم مجلس ایران بز بدین نحو که خود لایشر آن هشتم قریب بیاسان است از مادی انتصابات و چگونگی و کیفیت آن بخوبی معلومند، سرسوت مجلس پانزدهم نیز این بود، انتصاب کردن و منتصب بودن بوضع شکستی افکار بود و مجلس نیز نظام معجون لا کواری خواهد گردید، مردم حکومت و مجلس صالحی را کشته میتواند بیسه این آشوب و بریتانی ها خانه دهد از جان طلبانده ولی آبا این حانظین جدید قانون اساسی می‌توانند بنام شاخ فناء فی الازادی برسته یاغرا!

پاسخ و تضاد آن با آینده است آنگاه حاج آقا رضا رفیع ناینده طوائش اول ناینده بود که برای مجلس پانزدهم انتصاب گردید

فانم مقام نطب، مجلس چهاردهم بشمار میرفت، نایندگان کیلان و خراسان و برخی نقاط دیگر نیز انتصاب شده‌ند نایندگان تهران نیز تا هفته آینده از صندوق سر بیرون خواهند آورد و بطور خلاصه باید گفت مجلس ۱۵ دیر یا زود افتتاح خواهد شد و در تاریخ معاصر یک صحنه دیگر جلوه‌گری خواهد کرد.

در کردستان چه میگذرد

میانگه برخی از سران و محکرات کردستان پایان یافته و بطوریکه می شنویم آنگاهان ناشی محمدم صدقانی و حیف ناشی محکوم باهدام گردیده ولی اجرای رای دادگاه موکول بوصول دستور مرکز شده است

نمایشی از تحولات

سیاسی جهان

تحول شگرفی در روابط

سیاسی بریتانیا و شوروی

مشاهده میگرد

پس از استرالی مستر بوین وزیر امور خارجه بریتانیا و اتحاد شدید روزنامه برادوا دوباره در پیرامون روابط سیاسی بریتانیا و شوروی حدس های شکستی آغاز شد، در این گبرودار که روزنامه های شوروی بریتانیا و بوین را بتنی بیان های نپاین محکوم میگردند.

یاد داشتی لوطرف هس بوین جهت وثیق استالین رهبر ملت شوروی رسید که در آن گت روزنامه برادوا را در باصراف بریتانیا از بیان شوروی و انگلستان رد نموده بود، کنفرانس مسکو، مسافرت مارشال موتسگری انتصاب جنوری زارین سفیر جدید شوروی همه عوامل بوده که افکار عمومی که علت انکار هم انکار نمی بود یاز میآورد.

ولی هنگامیکه گفتار میباید ژوزف استالین به لندن رسیده غرضانی در جهان برپا کرد این پیام که حاکی از صفای باطن رهبر ملت شوروی است شوه آغاز مرحله سعادت آمیزی دو تاریخ مناسبات انگلیس و شوروی میباشد. پیام استالین چنین آغاز میگردد ۳ من پیام مسورخ ۱۸ ژانویه شما را دریافت داشتم باید احترام کنم اظهارات همامی برایتکه دولت انگلیس خوشن و امقید به همی بریزد جهت تاشی از مشهور ملت های مشرفیدانه در من یک نوع نگرانی ایجاد دو زیرا بدین است دوستهات ما که بر طبق بیان برعهده گرفته ایم هر گز تغییر حاصل میشوه اما در بساره تومه عهدنامه انگلیس و شوروی، باید نفست تیسراتی در آن حاصل گردد بطوریکه از برخی تپود که آنرا ضعیف میکند آزاد گردد و تنها پس از این اقدام است که میتوان دوباره تومه عهدنامه دوستی دو دولت داخل مذاکره گردید

نقل سیاسی کلیه مسائل سیاسی در اینروزها، تفسیر این بیامهای دوستانه است تا مگر با بیوسیه اصحاب خواننده گان تفسیر شود

کنفرانس مسکو

چه در بر خواهد داشت؟

سازوبین وزراء امور خارجه پیش نویس قرار داد هسای بین المللی را تنظیم نموده اند و مقدمسات کنفرانس مسکو از هر جهت فراهم گردیده است بخیر نیکاران اجازه داده می شود که آزادانه در کشور شوروی مسافرت نموده و اخبار کنفرانس مسکو را بروز نامه های خود بفرست مستر مارشال وزیر امور خارجه آمریکا خود را برای کنفرانس مسکو آماده میکند کنفرانس مسکو در هم مارس تشکیل میگردد

هرگ وای-لنین

هیچگاه تا کتون اجتماع مردی روشن بین و خردمند نظیر وای-لنین بخود ندیده است؛ میبایستی آرزو هائی را که ولادیمیر ایلیچ لنین و محیط خفقان آور روسیه تزاری با باران روشنگر افغانی خود بر علیه تزار مبارزه می نمود بطاهر آورد.

لنین رهبر طبقات زحمتکش جهان بود و این مطلب را تمامی صاحب نظران اجتماعی تصدیق میکنند، آن نفسی را که مارکس و انگلس در سال های پیش بر زمین علم پاشیده‌ند، لنین با قدرت خلاصه خود پرور شده و آبیاری نمود و سر انجام نهال عزیز و نیرومند بیار آورد که میوه جاودانی آن روز بروز و با سرمت بیرون از حد پنهان سر کشیده و نیرو میگیرد

و بجزیران جهان نام لنین وادرتاب و بود دل خویش یافته اند آن چشم دل شکاف و پیشانی مردانه و سرطاس او عصر روز بیست و یکم ژانویه ۱۹۲۴ در شهر گورکی با شوروی میهن پاک خود و راج کرد و توگوتی لنین هرگز در جهان نبوده است ولی نه در گت اولتین چیزی در جهان نبوده است.

پایه در صفحه ۷

تاریخ ریشه نژاد کرمن

مقتضای نژاد کرمن در چند شماره مطالبی راجع به ریشه نژاد کرمن انتشار داده و مدتی پیشه شوق منعمات از ادامه آن خود داری شد اکنون دیالوگ آنرا از این شماره بعد از نظر خوانندگان میگردانیم

(۷)

هر چند تاریخ قدیمی امروز دیگر بشکل انسانه و خرافات بنظر میآید و هر چند حقیقت هم از انسانهای قدیم و از کتابهای « وودا » و « اوستا » گرفته اند لیکن منت کرد امروز که احفاد دسه تصورده و باک آن اصیل زادگان قدیم میباشد نظر بوضع کوهستانی سبب انبوه خود اکثر زبان ، نسایل و عادات قدیمه خود را حفظ کرده و از آن عادات جنگ و معاربانرا از گذشتگان خود و بشکل قه ها و آواز ها به نسل های بعدی نقل کرده اند بطوریکه عقاید درمه آواز های امروزه هر دم از جنگ و حوادث تاریخی اجداد آنها حکایت مینماید . آواز های کرد مائه تاریخ جاهتاری میباشد .

در ازمنه قدیمه که سوادری در میان بوده منافع شاهان و داوران خود را بپسین نعو دهن بدن انتقال داده تسایکوش نویسندگان تواریخ رسانیده و بدین ترتیب مانع شده اند از اینکه این مطالب و حوادث بفراموشی سپرده شود گرچه مرور اعمار در این فمه ها تلبیرات و اختصارات بزرگی به وجود آورده و حتی اسامی اشخاص و محل حوادث را هم تا اندازه ای عوض کرده لیکن اساس و لایحه را یکی از میان نبرده است .

اشخاص تاریخی یا انسانه های مذهبی توام داخل اوستا شده بوده اند مورخین بدین اشخاص انسانه های را با تفرمانان آواز های باستانی با هم سنجیده خدمت بزرگی بتاریخ باستان نموده اند .

مثلا ۱ - کیومرث را که اوستا « که به مرت » نام می برد و نخستین فرد بشر معرفی می کند و معتقد است که پس از فوت او آدم و حوا از قطره آبی که از ساق پای او بر زمین ریخته بوجود آمده اند . مورخین برای اینکه قدری بنصورت نزدیک تر باشد از اخطاب نوح خوانده اند .

۲ - جشید که پادشاه ایران معروف است ماضی در ادبیات « سانسکویت » « بی » و « زوج اش بنام » بی » آمده است و اولین جفت بشر معرفی شده اند .

در کتاب « وودا » فریدون یکی از تفرمانان میباشد

قدمت این کتاب مقارن وودو کاسیت ها بر زمین ایران است یعنی در حدود دو هزار سال قبل از میلاد در صورتی که نظر بوقایع تاریخی فریدون از هزاره اول قبل از میلاد تجاوز نمی نماید .

با توجه باینکه نژاد کرمن در این بحث یعنی مقایسه تفرمانان انسان با تفرمانان تاریخی نه تنها ضرر ندارد بلکه برای کشف حقایق ضروری می

صندوق پست انداز ملی از پداری که بساعت آینه خود و

فرزندانشان علاقه داشته دعوت می نماید که برای باز کردن حساب پس انداز صندوق پس انداز ملی یا باجه های هبیری در تهران و شبیه هایا نمایندگی های بانک ملی ایران در شهرها و شهرستانها مراجعه نمایند . در سال جاری دو میلیون ریال جایزه بین حسابهای پس انداز بطور قرعه تقسیم خواهد شد .

جایزه اول آن ۱۵۰۰۰۰ ریال است

سازگوار بزرگ آن برار زیر میباشد:

۲	جایزه	۷۵۰۰۰ ریالی
۳	«	۵۰۰۰۰ «
۶	«	۲۵۰۰۰ «
۱۵	«	۱۰۰۰۰ «
۳۰	«	۵۰۰۰ «

کسانی که تا پایان سال جاری حساب پس انداز داشته باشند مشمول قرعه کشی خواهند شد .

۳-۵

اگر میخواهید پروژنامه کوهستان کمک کنید

- ۱ - وجه اشتراک خود را بفرستید
- ۲ - در معرفی مشترکین جدید و تشویق مردم با اشتراک جدید فرمایید
- ۳ - آگهی های خود را برای دوچ در کوهستان ارسال فرمایید
- ۴ - ایراد هائی را که راجع به تهرجات آن دارید برای ما بنویسید .

داشته اهلان هنوز مدرك دقیقی بدست نیامده است .

در بالا اشاره کردیم که اوستا کیومرث را که به مرت نام داده و اولین فرد بشر شناخته . تاریخ بود اورا از نسل نوح میدانه و نسبت التواریخ اورا پسر باستان آجام نوح میخواند .

از این اظهارات تاریخ ها چنین برمی آید که کیومرث و طش در حدود سالک نوح بوده و با نومی که در آن محال می زیسته اند و بدین تزیادی داشته کتیبه ای از سومری ها کشف شده که از طولان نوح بحث میکند در این کتیبه حضرت نوح را « زیو کیدو » می نامد و « بانتری » را سلگت او دینامد

نقش پانگه اسم سگانه کوشی های قدیم « زی لوبه » بوده و کوشی ها حکمرانان را « پانزی » می گفته اند از این الفاظ زیو کیدو و پانزی چنین مستفاد میگردد که طولان از سگانه کوشی ها برخاست و حضرت نوح که زیو کیدو با هغه پادشاه کوشی بوده است کتب مقدمه در خصوص طولان نوح توضیح میدهد که کوشی نوح بگروه جودی و با بول عیسوی ها بگروه آراوات نشسته که هر دو گروه در وطن کوشیها واقع بوده است .

آثار و علائمی که در سر راه کوهستانی « اره - شرنخ » که در وطن کارداک های قدیم و نزدیک گوه جودی میباشد بنظر نگارنده رسیده که ممکن است دلیل بر ممت حدوت طولان در آن منطقه بوده باشد .

در این مکان کوچه های سنگی دیده میشوند که در روی آنها اشکالی مائه حیوانات متعبر شده نمایان است که ممکن است تصور نمود از بقایای نسل های حیوانات کوچک بوده که در میان کل پرورد اعمار متعبر شده باشد . باین دلایل تاریخی که کیومرث را از نسل نوح معرفی مینمایند تا حدی مقرون بسبب بنظر میرسد .

از ستر

اظهار رضایت از رئیس بهداشتی سالیات اهالی ستر و کلیاتی استعدای طبیب دیله دارنه از بدبختی و قتی جرایش آنها ننگ داشته خدا دلالت چه تلفات جسران ناپذیری وارد شده تا اینکه اخیراً عطف توجهی فرموده آقای دکتر عبدالعسین الهی که دکتر دیله و پیشروستی است مائه تک فرشته رحمت از ساخت وزارت بهداشتی در این محله تزلزل ، از روزی که به دستور وارد شده اند با کمال جدیت و فعالیت شستگی ناپذیر به پذیرایی مرضی مشغول در ظرف این مدت قبلی بایودن وسائل و داروی لایزمه مرضی خطرناک از جنگ مدرك لبنان راه از جنگ بنده خداداد منصوری پیگوه به چندین مرض که خطرناکترین آنها ذات الریه بود مبتلا بطوریکه ۲۵ روز قبل از تشریف آوردن ایشان با اینکه تحت معالجه پزشکان یعنی بودم خواب راحت بچشم نیامده و روزی سه لیکن بقم مخلوط بگون از سینه ام خارج دم بدم مدرك را به چشم خود مشاهده و از زندگی مایوس ناچار بن برك داده و مترصد رسیدن اجل غیر موعود بودم زیرا دو همین موقع چندین نفر دیگر بهین مرض مهلك مبتلا و در لیودن بزرگ و دوا دار قانی را وداع نمودند . خوشبختانه از اقبال عاتقی سرپرستم آقای دکتر نامبرده ستر وارد بلانامه به معالجه بنده مشغول در ظرف ۳ روز این مرض مهلك را معالجه نمودند لذا چون حیات و زندگی بعدی خود را مرحون انعامات ایشان میدانم بدین وسیله از همگامه تقدیر و تشکرات فائده خود را تقدیم ایشان میدارم و امید وارم که وزارت بهداشتی این نامورین مترم جینی را تشویق فرموده و وسائل لازمه مخصوصا دارو در دسترس ایشان گذاشته بیش از پیش مایه اهد واری و دعا گوئی خواهد بود .

خداداد منصوری

مرشدان بجناب آقای فرج الله آصف (سر داد معظلم)

تلم : ج آشنا

بایگی از اهالی سقز . . . !

و اما بنعبته ربك فجدت

پس آن روزگار تیره و تاریک
سراسر کشور گرفتار افکار پلیده
اوباش و اشرار بود و خائنین وهشتان
سواره به نثر اکاذیب و اغوا و لطفین
جلو دار اجامر و انبار بودند در آن
هشام که ابرهای سیاه افق سلطنت
ایران را فراگرفته و ابراهیم دولت
و لطف سوظنان گرام را تنیده میکرد
و اهریمن مرگ در برابر هر فرد از
افراد ششیده و نیب مبین عزیز خود
عالمی می نمود در آن دقایق که زانوی
وطن پرستان در لرزش و رسته و تلویب
مصلحین و روشن فکریان در حال پیش
و قله و دلپای به کاران مطرح و پیشگر
بستن طرئه بود در آن لفظانی که
اربابی و وطن ثروشان مشغول غارت
و گرفتن رهوه و تخته بوده تنه استندج
و توابع آن آردی آردی بیرون آید
اطمینان و اطمینان رسول و اولوالامر
مفکرم از اهالی کردستان یا کسان قدرت
و ایسان و نبات و اطمینان و قادارمانه
سد آهن در برابر هزاره مرگبار آتش
نفاق و هتک و تفتن و تفتین انبارد
زیر پرچم براتقار آید هر چه و اجتمعا
بجلافت حیا و لا تفرقا ایستادگی و
پایداری کرده شهری دهانی و هشار
و حرار دست بدست هم داده بهیچ یاد
حوادثی متزلزل نگشته و بهیچ تطبیح
و تهدیدی از عقیده فریده فاه پرستی
و مبین درستی منحرف نشده بچرخ شاهنشاه
جوان بخت و مصوب و مادر مبین و
ارتش مطلوب و مرغوب خود دیگر پیرا
نقشای و مهر خود را در جاهانی دیگر
نیاست فقط شاه پرستی را شمار و دولت
خواهی را دثار خود ساخته دوش بدوش
ارتش دولت را پشتیبانی نموده
چنانچه خود انجناب پسرهای آقای
میدالحمید سالار سید سندهی پس از
شهریور بیست برای انجام همین منظور
زحمتها قبول کرده و صدقات را دیده
هر آن در سفر وحشر پسر بوده تا اینکه
پار دیگر دو پیشگاه تاریخ ایران دولت
خواهی کرده تاجران را پشمه ثبوت
و ظهور رساییده و در دوره فرمانداری
جناب آقای آصف فرماندار مبین پرست
نه کارگرا بوده و به آن فارغ نشسته
تا توانسته امروزه مصالح ریا زنده بپای
کردستان باوفا و دوست یسان و ابرش
و صلح و در برابر مستحیبات خود با
موانقت و توجه و استقبال اولیای دولت
ایده من و روبرو هم امین دوام اشخاص
که گوته فکر و خودخواه و خواهان
اختلاف و تشتت آراء هفتصد ایت یات
خود حسد و خود بینی را ترک کرده با
دیگر برادران نامه گشته از دست اتحاد
و برادری منتم و بر خود دار گردن
(و مازله طراف عزیز) توبل خود
و هم را از هادی علیی خوانام .
محمد صدیق معتمدی الکردهستانی

مشاغل منمادی که مرا دریغ
گرفتاری و حیرت دچار کرده است در
عالم چریده نگاری کسی و وحم را آذراه
می گذارد و اصحاب خسته ام را موازش
عینی می دهد

با بسیاری از دوستان و رفقا که
پوسیده چریده و نثر به آشنا شده ایم
گاه و بیگاه بخت بر سر مطالب اجتماعی
راکش داده و بالاخره از تصادم و اصطکاک
و روس مصنعا انکار تاجیس می گیریم
که در هوجه اول مربوط به شخص
و سبب اجتماع است
من از مدتی که در پیرامون امور
منرب در تحت عناوین مختلف اظهار
عقایدی می کنم یا بسیاری از سردان
شرف و نیب آشنا و مربوط شده و
بسیاری از جوانان حساس را که رقم
حوادث نیکو مرا با آنان آشناسخت
هناخته و از موانست شان لذت رومی
و منتم می برم

روزی چند بر این در معین آرام
و می سرو صدایی با یک جوان کسره
از اهالی خنر آشنا شدم پس از اندکی
مراسم صوفی جوانی که بی اختیار صورتم
را بوسیده و بار دیگر دستم را بجلالت
سخت و اسفردگی بی هائیه نشرد و علاوه
کره که مبارزین را با به تحویب بود و از
آنان در تحت تاثیر تمام خرابی مذموب
و نامطلوب پشتیبانی کرده من البته از
این سخن بیخ و بخرش که خالی از
ذیبت و تقاضای بیوسندم بر ظاهر باطن
سیاس گزافی کردم و سخن را به میدان
اصلی خود یعنی زمینه انتخابات در مقتر
کشادم
جوانی که با بیروت و رشاری که نتان
پاس از جریان بود پاسخ داد که به
چشم در صفحه ۷

وضع کشور خصوصا شهرستانها ده
و از این رو امروز کردستان نشسته یک
سلسله اقدامات مفید و اصلاحات دانست
داری است که باید بیست و مجال میرز
و صالح در تحت توجهات مخصوص دولت
و پشتیبانی ملت انجام پذیرد و در واقع
امروز هر قسمی که در اصلاح اوضاع
کردستان برداشته شود هر می آید که
بر قلب برش مردم پریش آسان گذارند
میشود و اکنون که چنانچانی در این
راه مقدس قدم بر میدارند بی مناسبت
بست بگویم
میرزا دوستی که مرعشگاه و
دوای دل و مرهم جان غمسته
خوبنما مردم نیب کردستان و
جوانان مصیبت کرده آن توده درک حسوسات
را داشته و غره فرد اهالی غیر خویش
را تصوریکه هستند می شناسند و همیشه
خادم و خادم و خان را بی پرورگی که در
آید شان میدانه

جناب آقای آصف دانشجویان کرد
دانشگاه تهران و هموم اهالی کردستان
از شخص چنانچانی انتظار دارند همان
طوری که دو گذشته هم ثابت کرده اند
که خدمتگذار خبیثی ملت مستبد امروز
هم در این راه خیری که ندم گذارند آید
یعنی در راه اصلاح اوضاع کردستان آید
به آخر پیش بروید و بدانید که قلب
های تمام مردم کردستان و قلم های تمام
دانشجویان آن سامان بیوازند نمایان
چنانچالی در راه سعادت و ترقی کردستان
پیش خواهند رفت

در خانه لازم میدانی بکار دیگر
موانب تشکر و امتنان نلی و احسانات
پاک خویش را بظنور عالی تقدیر داشته
و از ایزد توانا منت نایم که در
راه اصلاح اوضاع کردستان و خدمت
به همترا عیشه موبد و منصور باشی

اثر طبع آقای ناصر زمانی دانش آموز دبیرستان هابور سنه ۱۳۰۲

حماسه ملی

ایران ما هزاره بگیتی مظهر است
ایران طبرسرای بزرگ گاه داشت
اینجاست بزمگاه دل و عشق و دوستی
مهد هر بل را از وی و سیاست اینسرای
تاریخ ما گواه بزرگی و عزت
ما را حواره و نفوذ بزرگی می سزد
ایران اگر چه دیده پس و نیب یار لیک
جاوید باد نام وطن در همه جهان
عشق وطن نموده ایسان و راست است
ما را یابردی مردم چه حاجت است
ما زاده جسم و نژاد مبین ما
گر دیگران غرور تجمل می کنند
گویای لغر مات تواریخ دشتان
گر خویش معده زین کار خود هم
نگر نمان از سر خود بیرون گشتم
ایران ما همیشه نشان داده در جهان
پاینده باد پرچم پر افتخار ما
یا وب میاد آنکه بیستم بگورمان
ما را همیشه عشق وطن رهنمون بود
ایران نرد هرگز و تاهست باجاست
هنواره زنده یاش بگیتی توای وطن
گشتم رسوز آتش عشق توای وطن
باری در گریشوق میخوان تو دنا سر

جناب آقای آصف در این هنگام
که مشاهده میشود چنانچانی پشاندگی
از طرف طبقات مختلف و لاطبه مردم
کردستان مستعدان و خواست های ساکنین
آسانان را برش مقامات عالی و موثر
مرکزی رساییده و در بسر آوردن
احیایات صومی و رفیع نوا امر اجتماعی
تا آنجا که مقدور و میسر است در
ایستاد انامت خود در تهران فرود گذار
نرموده و از صلب لب برای بیوه
اوضاع کردستان اقدام نموده و منسایید
بر دانشجویان کردستانی است که از
این اقدامات غیر خواهانه آنجناب نلیا
تشکر نموده و آمادگی خویش را در
پشتیبانی هایت و اقدامات نیکوی
چنانچالی در راه سعادت و رفاه کردستان
و کرده ستایان بدینوسیله اظهار نماید
دانشجویان کردستانی که اکنون
در قلب مبین عزیز خویش ایران دور
از خانواده و مسقط الراس خود سرگرم
کسب معلومات عالی اند هیچگاه از یاد گاه
مقدس و مهد پرورش خویش و اوضاع
صومی ساکنین آن فارغ نبوده و ایسا
کوش بر آوای شتین موده به بود وضع
کردستان و رفاه و آسایش مردمان آن
بوده اند خوشبختانه چندی پیش امواج
راهبر مهران موده اقدامات مفید و
موثر چنانچالی را در باره اصلاح وضع
کردستان بگوش هفتنگان آبادی و ترقی
آن چهار رسایید و دانشجویان حساس
جوان مبین پرست و سرایا غرن
صبرت و شادی نمود و اینک بسکم
و جدان پاک و اسامان بی شایه و بامر
علاء مغربه ترقی و آسایش همنبرهان
عزیز و نلیه خویش میدانی بنسایت
اقدامات اخیر چنانچالی مراتب تشکر و
تقدیرانی فراوان را حضورتان تقدیم
داشته و از خداوند متعال بخواهیم که
کردستان را از داشتن رجال پاکدامن
و خدمتگزاران هیچگاه محروم نشاید
دانشجویان کرد که نظرو نگرشی
جز ترقی و اصلاح کردستان و رفاه و
آسایش ساکنین آن ندارند ما بطوریکه
در موانع لازم ضروری سبب نوا ترانس
اجتماعی و صومی را در کمال بی طرفی
و از روی بر نیب عالی و نظر عالی
خود تد کرده و انتقادهای امثلی و
منطقی را نموده اند در اینگونه موارد
بهر که مشاهده می کنند نمایان مفید و
موثری برای اصلاح اوضاع کردستان
برداشته میشود از تعمیر و تجدید صحیح
و اصولی خودداری و منسایید نخواستند
کرد (زیرا بهترین نشان رشد مغرو
نیم اجسامی جامده ای است که در
موانع حساس خدمات خدمتگزاران
حقیقی خویش را حس نموده و در مقام
نقد شناسی و ولاداری بر آید چون همان
تدرک تقلید بجای رسیده و بیشتر وضع
چشمه موثر است سعید و تقدیر بود
هم بیسان اندازه بلکه بیشتر ملی می
باشد .

جناب آقای آصف مناسفاً اوضاع
صومی سلطنت در گذشته مجال برای
اقدامات اصلاح طلبانه در راه پیسود

کرد و کردستان شبه اردلان

-۷۸-

حکومت میرزا اسمعیل خان ثقة الملك

پس از عزل وزیر شاهسون روز ۶ صوم ۱۳۲۵ ع تکگراف حکومت میرزا اسمعیل خان ثقة الملك رسبه روز پنجشنبه ۱۱ ربیع الاول دارد کردستان گردید

نواد الملك پسرش و مفتی الملك پیشکاویش در سیت او برود پس از چند روز پیشکاویش را بشیر دیوان واگذار نموده دیوانخانه را بفتح الملك سپرد.

ثقة الملك بر حسب ظاهر از طرف دولت حکومت داشت اما باطناً از طرف ملیون و طرفداران مشروطیت مأموریت داشت که اهالی کردستان را با وضع مشروطیت آشنا نموده این منطقه را شبیه نوای ملی بسازد مبنی بر این اصل هیفه در مجالس خصوصی منافع مشروطیت و مشار استبداد را گوشزد مردم میساخت و مشیر دیوان قلباً از بیانات او دل‌تنگ بود که مأمورین دولت باید مطیع اوامر پادشاه باشی که گوش بر او از سید و علما و بازاری ثقة الملك پس از آنکه چشم و گدھی باز کرده شناسایی بیجان احساس پیدا کرد روزی این جناب را بطول خواست گفت من اهل این شهر و اهل منطقه‌ام چشم‌پارم خوب متفکین که هیچ وجه قدرت ندارند یک حالت نافرمانی بنمود بدعند چه میدارد که شما پیش قدم‌دهنده از احساسات عمومی ملت ایران استقبال نمائید و نام یک مقام بلندی را برای خود اسرار نماند این جناب در جواب گفتیم چون مجلس دوستانه است من هم سبقت امر را برپوشیده بیدارم

دو هفته قبل هم از طرف کردستان مرکز میجر اشاره ای بن شده بود که در کردستان نیز اجین های ملی تشکیل فرود و یا سایر ولایات همدا و هم آواز شوند ولی چون مقدمات کار را هنوز تکمیل نکرده بودم باین جهت تا کنون شروع نکرده ام اگر اجازه بدهید در همین دو سه روزه میخوام بشیر دور بروم که شیخ حسام الدین را ملاقات کنم و آنجا هم وضیعت ترکیه و امی بسیم که مشروطه آنجا بکجا منتبیه شده و بنفاه «قدم الفروج قبل الفروج» مانمی هم در اورامان برای روزی مبادا تبه و ناسیم کنیم که اگر وقتی مطلوب شدیم با تها بنامند شوم

آن وقت شروع سبلیات خواهیم کرد

ثقة الملك گفت این دهر بشود تا بروید و برگردید تقریباً بیست و روز یک

ماه طول میکشد

گفتم در چنین خوب بهتر است تا اینکه بی گذار بآب بوییم و من قول میدهم که می کنم هر چه زودتر مراجعت کنم منتبیه تا مراجعت خود با آقایان حاج شیخ حبیبی و ملا احمد مدرس و حاج باقر می سپارم که دوسه اجین از توده و اهل بازار تشکیل بدعند خود تقیرم که مراجعت کردم چند اجین دیگر تشکیل میدهم

پس از ختم مذاکرات این جناب روز ۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ع بافقان شیخ طارف خللرحوم حاج شیخ شکرالله و همیار اورامان هدیم در ترکیه «تبولی» خدمت شیخ رسیده پس از دورگ تپوختان صحبت شیخ و کتب صلومات مدیده واقع بوشیبات دول هم چون شیخ در موقع مرخصی بهرانت طبع خود دستخط خلالت باس لقبیر نوشت بگتوب لیاده اطلس زرد و صامه شیفیت و بگراس اسب متنازهم بنوان خلعت بلقیر مرحمت فرموده و مراجعت کردیم شیخ حسام الدین در کردستان چندین هزار نفوس مرید و منسوب دارد که اعتقاد کامل باو دارند و او امر او را در اسی منزل میشاره و تلف از فرمایش او را کدر و زنده میداند

تقیر در صوم ۱۳۲۲ ع سرسیده پایتخت بودم

شیخ با این اساس وزینت که در کردستان دارد در دستخط خلالت ترمج فرموده بود که « فلانی بزنله نفس من است گفتار او گفتار من است هر که از اطافه او امر او تلف کند از اطافه خدا در رسول تلف کرده است

تأمر اجت انتخاب آقای حاج قبیح یعنی بافقان حاج قبیح بجاه (مظهر الاسلام) جسی را از اهل بازار و کسبه باهم متند نموده در صحت نتوان هیئت کارگران شبها جلسات مبار داشتند تقیر هم در اوائل جنادهی الاولی (۱۳۲۵) مراجعت نمودم و مدتی بر حسب اقتضای مقام خلالت اظهار کتف و خوارق نمودم شبر مردم را میگویم آنچه را غیر میدادم در ملاه عام منف اطاق شکانت میشد و شیار باین میریعت و هنگام رفتن برای مسجد جامع که کوچ از جمیت موج میزد با اشاره چو بدست دیوار خانه آمد دیوان شکانت میشد برای گداه افروزی و شاهی سفید انواع مسکوکات ایرانی از دیوار فرو میریعت در (باقتا) (نور) جایگاهی است هر کوه او در (چوب دست رازسین میانه اخیتم ما میسند و دوباره مبدل بچوب دست میسند و او این قبیل خوارق عادات که هر کس

اثر طبع غربی - از سلیمانیه (عراق)

آواره له منکر وطن و نوسو براخوم
بیچاره و بیگاره و بی عوت و جاخوم
دیا به جهنم که او ای سر و باخوم
محبوس و گرفتار کلی نفسی خواخوم
روز ود و سرانگنده دیوانی خواخوم

که مایلی حبش و طرب و بزموشانم
که طالی دیا و هوس و جامو بساتم
چون منلی نوسنتو خورا که حیاتم
یک لحظه له بادم یه هنگامی ساتم
بی توفه و بی زادی زهی داری بلخاوم

حرم که به سرچوله گناهی له امرام
هرغیته وردم چه له صبح و چه له شام
قط جاری له بوراسی و سدتم له کللام
هرجومی طابم له نمود و له نیام
دی تانبه شیطان و هوا و صیبه و ریباوم

یک لحظه له بوروله خورا کم به صدات
ترکیه علی بیج رها کم به صدات
خوم داخلی یو اهلی عفا کم به صدات
هوری له هوسچور و چلا کم به صدات
وی دورشو روزردو گرفتاری بلخاوم

امچاره وه ساتوبه خالی به بئین که
بی امری حراولفسی سگو کویری لبین که
خوت تابی احکامی خواورضی منین که
یوهصری تلف کرده خوت سین و گرین که
بگریه پای نادم له هونفلی گناخوم

لا تقظدی یو کویری کنانوهی صابه
بروانه له ام آیت و لام رسی خوا به
پاش رسی حق شانسان لغری و رابه
معلومه شفاعت سیمی
مع کلی دری پنج تی آلی حباخوم

دست جهان بندی بی بی بی طرفیت
میبوی شوا و اسطی هه راهی حلیت
سدنولی سلبابه منظوری فریت
اوحسرته کاک احسده ذی خان و رولیت
من شاکی دری مرکزی انواری خواخوم

«غربتی» له سلیمانیه دایم له حضوره
بوسرله والا به که وا مبیطلی نوره
هرچنده به غیبناری جگر عارضی سوره
دل بی بته، بی بوخته، بی لطف سروره
واخادمی خدا می دری با بی صفاخوم

تشکیل بدیم از فردای همان شب شروع به انتدات نموده جمعی رانص عنوان «اجین صدات» شده بودیم و مراسم و نظامنامه ترکیه هم برای آن نوشته هیئت رلیسه را هم برای منطی و حکم اکثریت انتخاب نموده در صطه جلو فقه حکومتی ماوتی برای جلسات عمومی و خصوصی اجین کرایه کردیم

روز دوم ذی قعد ۱۳۲۵ اجین افتتاح یافت و بیان نامه اقتضای آن با حضور عموم قرائت گردید

مستند بود بر اعتقادش می افزود و هر کس منکر بود حل بر سر و قیبه میکره پلاخره این قسمت هم بود بر جلیب توجهات عمومی شده از قضا میانه مشیر دیوان هم با آقایان حاج تنج الملك و ساج ارفع الملك بهم خورده شب ۲۲ و متنان ایشان بتزل مرحوم حبه الاسلام رلفه اطلاع دادند منم با آنجا رفتن بالانسان تصیم قطعی گرفتیم که

اجینی مرکب از علما و اعیان و رجال طبقه اول کردستان (باستثناء مشیر و امف)

لرستان را نباید از نظر دور داشت

پلم محمدابن مهابرود
وکلای حقیقی کردستان را بمامعرفی کنید
آیا کردهای مقیم تهران برای وکالت حاضرند ؟

لرستان این زامه بود آریان، ایران این گهواره کاندش و همناشی این سفره آثار ستایع و سیدمه بین ایران وجهایان باستان -

لرستانی این نواده های نجیب باوقای کاسیتی این یادگارهای لشکرهای جراز و فاتحین مشکسر و ضرور بابل و بین النهرین این وارثین مردمان رهبیه و باشرایع ایرانی که روزی مایه نصر و مباهات ایران و فاتح سخت ترین تلاح و استعکامات جنگی دیسیده بوده اند واد مرهاتیکه برای بسط و توسعه امپراطوری ایران از هیچ چیز خود مشابه نسیرگردد گروهی که سوارانشان پرچم پرانفتار سفلت را ازمانی در راس مرتفع نقل یونان و گاهی بر نرساز بلنه ترین عبادتگاههای هندوستان بر میافراشته سائکین سلسله جبال را کرس که سرتاسر نوار بیخ پوران نهم مسطور از تهور و حجابات و ساکی از عظمت و انداز آلمان مییافه امروز از نره تمدن نرهای اخیر بی نصوب و الاغت حران و آسایش زندگی عصر حاضر محروم لغت و گرسنه بازخم دل و بیگری ناتوان لالان و کربان محکوم بقنا و بیستی مییافتند -

نتری از عهدهای مهر عاطلت نه شه ازبوی یار و یاوروی نه از نسیم روح نواز داد و دآوری در روی - آسان نیره و نار این مردمان نلاکت یار دیده میشود تومیکه روزی مشق دار علم و دانش دنیا بوده اند امروزه در عصر بهار و مسخین واتم و انرژی زده گای دور - حیر با ستر از آنرا میگردد اند نه زاهد لر افشان که کوهها را بلرزدم در می آورده و کوهشواته اشکهای غولپشتان که سفت ترین سنگهارا نرم میکند در دلهای برادران بی وفار و زامه اولان مگر کو تاثر میبندد -

سیم وجه آتان لغظ و لغظ اولام و اضطرابان سلکت منظور است نه در فرهنگ و بهداشت و عمران و آبادی لر موجود نالهی صورت شده که نانداز همور پشری بوده و عاجز تیز لیک و بدیباشه کله لر اسولا با پنجم سفارت نکرین و آتارا از نظر معر بودن و از علم انداختن اقتیاب غیر قابل جبرانی است اقتیابهاست که نره تلخ و زهر ناک ییاز می آورد اقتیابهاست که تا بیج آن بشر سلکت و بیستی آنها تمام میشود چه لر ها از آن همان ششیرهای میباشند که همیشه آخته بدون دشمن و سوتر ترین حافظ استقلال و عظمت ایران عزیز بوده و حکم داران با عظمت غمخ وادرجلوی سم اسب خود بزرا نورد می آورده متبا امروز از روی خدم توجه زنده زده و بگوفه اداخته شده اند ولی بیجورقت جوهر اصلی خود را از دست داده و از بر نه گیشان است نده فقط توجه مستصری لازم است تا باز سیل شده و هنر ناههای لپاکان خود را بنسبه ظهور برسانند تا

میگویند انتخابات دوره پانزدهم آزادانه صورت میگیرد -

میگویند هر موقع انتخابات قوای تامینه در تمام نقاط کشور نظارت میباشد که هر فرد ایرانی در کمال آزادی و آرامش و کمال حقیقی خود را انتخاب نماید -

میگویند انتخابات آینده مانند دوره های سابق نیست -

میگویند وکلای دوره پانزدهم سر نوخت ایران و لسل های آخته را تعیین خواهند نمود -

اینجا چیزهایی است که ماس هتوم و با انکاه به تاکیهات جناب اهرق آتای نوام السلطنه امیدواریم آرزوی ما بر آورده شود -

در این موقع که انتخابات در حرف هروج است آزاد پخواهان کشور و روشنگران تاحدی که تواسته اند و نره قلم داغ اند ملت ایران را برای اقتضاب و کلاهی حقیقی ییاد و هشیار نموده و مینمایند و پشی از جوانان و روشنگران کرد هم مقالاتی راجع به اقتضابان دوره جدیده فربه کوهستان که بگانه آمال کردستانیان است می نگارند و بیشتر منظورهان ییاد نمودن ملت کرد و فربه نوردن آنها و اقتضاب و کلاهی حقیقی است -

تنها مایه امیدواری اینست که در عظیم حاذق و نظامی و اداری مانه بیسار سببه اجدهی و سر لشکر و زم آرا پشی دولتر گسایکجه میبود این اهالی بوده و بواسطه خدمتیکه در دوره فرماندهی خود در امتیاز انجام داده اند دولت کله آتان جای گرفته اند از نزدیک دردهای آنها را دیده و شاهد مسرومینیهای بیسار و مناصب بیگران این طایفه میباشند حساسترین سبهای زمامداری سلکت وادر عهد دارند و چون عوامل دوره و پجوی میباشند یقینا بهتر میتواند درای موثر و انجوز نمایند -

ما امیدواریم بیسار سر لشکر و زم آراه رئیس محبوب معتره ستاد ارتش که خود سالها جهت اصلاح و امنیت فرهنگ لرستان زحمت کشیده و از نزدیک شاهد حال لا و وریشگان آتان بوده و میداند چقدر این منطقه تشنه اصلاحات و عمران و آبادیست از کسکهای لازم دور با این ابل نجیب وطن پرست کوتاهی فکرم و مشایقه نتایند چه سا در نظر گرفتن وضعیت خاص آنجا و اختیارات فوق العاده و وسیع مسامورین نظامی هر گونه اقدام با اصلاح را جزای نامیه لشکر که ندرش مالون سایر ادارات و دوائر دولتی مییافتد نباید و نمیتوان هم از دیگران انتظار داشت جهت فرماندهی لشکر آنها اشخاصی را مین و بدان صوب اعزام دارند که علاوه بر فضل فرماندهی و اداره ارتش و امنیت بتواند با اشکار شخصی وضعیت رفت آ و آره منطقه را بتدوین اصلاح و با لائیل بتواند برنامه جهت اصلاح آنها تنظیم نماید ما با زور اینخصوص صحبت خواهیم کرد -

وکیل حقیقی ۱۱
چون تمام کردستانیان مستم به وضع منطقه خود آشنا هستند از این جهت از آسان سؤال میکنند و آنها را سوگند میدهم اگر وکیل لاین و کرد خواهد کردستان سراغ دارند بنا سرفنی فرمایند تا آنها را بقنایسم و بدایم چه خدمتی تا چنانجا رسیده و چه از وجودشان ساخته است -

حال گذشته ما ناظر انتخابات اعیان ولایتی بودیم اعلانی که به دور دیوار زده شده بود و نوقت حانی که بین مردم پیش میشد تاحدی مردم را ییاد کرد و با وجود تحریک عدالت انتخابات آزادانه صورت گرفت من از اصالی مستم منتدج می برسم با آن همه میامور با آن زمره ما با آن همه اعلاتان آتای اعیان ولایتی که تا چنان مدت مدیدی از تاسیس آن میگردد به اصلاحاتی موفق شده است آنها یار گرانی را از هوش مسردم ییچاره برداشته است آنها از آن اشخاص که اقتضاب شده حیا جواب تمام آنها منفی است

حالیهم که صحبت انتخابات دوره پانزدهم است روی سخن خود را با نویسنده های آن مقالات ییاد کننده مسلوب نموده خواهش میکنم اشخاص دوستکار - پشته کاردار - ملت دوست و گسای و خواهان سلطنت ما مستند با سرفنی فرمایند که مامور همگسهم آخته شده و با اقتضاب آنها دارویی بر دردهای پیدمان خود بنگاریم -

ولی متاسفانه بطوریکه دیده ایم بطوریکه نینده ایم و بطوریکه اسفانر نودیم غیر از وکلای دوره گذشته و غیر از اشخاص اعیان ولایتی که آنها هم تا چنان هیچ کار نمیدید انجام ندادند کسی را در محیط مستند نمیتوان یافت که بتوان برای وکالت در نظر گرفت - پس بنابراین وقتی که کردستان را خالی می بینیم باید به اطراف اظهار کنیم باید در گوفه کردی که بنام رضی مسکرد و دلوسو کردستان باشد و خواهد برای ما کار کته پیدا کنیم و او را اقتضاب نسایم -

هریکه گمان مر که خالی است باید که بلنک شغ باشد -

من ولقب سالنورده و بر حرفی دارم که در ساعت های فراغت نیکه اورد آتی تنها باشم اغلب مرا به داستان ها و حوادثی که هر کردستان روی داده آگاه میسازد از گذشته های کردستان صحبت های میکنند متلاومنی که در کردستان گرانی بوده و وقتی که روسیه به کردستان آسده و بعضی از هم هم ییهای مستم گندم هارا ایلار کرده و در ابار می پوسید و مردم از گرسنگی می مردند ، وقتی که در کردستان اجزای وجود داشت و از این قبیل موضوع ها زیاد صحبت مینمایند اتفاقا روزی که من تنها بروم و به انتخابات فکر می کردم همه ها و کله های

کوهستان

به مدیر روزنامه که بگروس و گروسها غیر محلی تحمیل میکند

چهره نمویی بکنی بیفتاشی کرد
نی بیثی که کاری دو علفزارو
آنانی مدهر روزنامه مردملی شادو
سوما و در انتظار مردم گروس خصوصاً محکوم و ستول هشتیه!

آنانی محترم - گویانکه روزنامه ها گاه و بیگاه آفتابیش میشه و میشوه صداله چون بشکنی و ارتباط با گروس داشتو دازد و خواه ناخواه مورد علاقه مردم آن سامان و تیب روشن و تحصیل کرده بودو میباید .

من که یک مشرک کوچک این اجتاع مشتم و آرزوی هر تحول و تغییر مشروعی وادراور این سرزمین دارم و فنی ها اینتا روزنامه گرتیه خوشوقت شدم که انتظار دیگری نسبت جامعه اگراد گروس خواهد نمود و حسیون مجله خواندنیها در حد نسبت مطبوعات آبرومنه کشور ترار خواهد گرتد .

بهین هلت و با ساقه انتفا و بستی مطبوعات با اینکه احتیاجی بپرکار و روزنامه سرکار نه اهتم درین جامعه رو هتکر اگراد دست بکنار بیفتن و سبی برله آن زدم و بسیاری از هوساها ذوق و نویسنده و فاضل ، را تیر آفتا پادخواست های مشروع مردم گروس که در صفحات مرد علی افکاس کم و بیش داشت نمود .

و حتی در خلال مسافرت بگروس یاها ارتباط فنی داشتیم و در باره انتقادات و اعمال نامشروع آنای غلام حسین پورپور که بدون رعایت انکار محسوس گروسها دست باها ل ناهاستی زدم بود یاها گفتگو کردم و شا هم سابقه بدیشی با ایشان از نوقت های من استقبال میخوده .

من تقابنت در باره تقاضاهای مردم گروس راه تنها در مردملی بلکه در روزنامه متین کوهستان که در این هدف متشخص و عقیده نابی است شروع کردم و محاسن مبارزات خود را که بر پایه منظومیت مردم گروس انکسا داشته بسورت یک جهش و تغییر انکاری در مردم برای انتحاب نایبته مجلسی و صالح بدست آوردم .

من در آن موقع مبارزه ام جنبه ملی داشت و خالی از هر بشکنی و ترابشی با طرلی می بود ، بهین سبب امروز هم که وضع کشور از یک نیانه متشوش یک صورت مبهم رو گردانده است در حال فکر و عقیده یانیم و مبارزه مجلسی به انتقادی فصلو موقع سیاسی هوشنی هود .

من باین متحمسات و سابقه مطبوعاتی بشود حق میدهم بتوان یک عنصر گروس از شا در آزای نرهده که بلسا صاد وی میکند استیضاح کنم و شا را در بیگاه اهل منطق و سرامت و هسوت بجراب نام .

فنا وقتی که به فنا نگاری هروع کردید و هدف و منظور تان پلو قسمت تقسیم میشد ، یکی نظریاتی که در باره کسب موقع ضروریست دوستاران و حامیان برویا قوس حزب توده داشتید یکی هم توجهی که بجانب گروس مطوف نموده و دامنه و گالت آیتسا را در سر میروانید ، و البته این نظر دومی فنا از جهت اینکه یک نرد تحصیل کرده هشتید کاملاً مشروع بود .

روی این اصل با ملایمت و پورپور شروع بمطالعت کردید و مخالفین و رایز دعوت به مبارزه نمودید پس اینکه در شماره ۲۱ مردملی می نویسد « متاسفانه حده انگشت شاری که مبتران گفت جز افراش شخصی سرکنی هاشته که با امر اجه و مارا نسبت با فای پورپور بدین ساخته بوده ، کاملاً حرف بی منطق و سستی است و اولین مرحله تناقض در گفتار شا را برملا میکند و دیوار سخنان سرکار را تا تریا گنج بالا میبرد و مردم واجب انکار هاشونجه میسازد .

من در مطابقت کردن آنهک مطالب دیروز و امروز روزنامه هاشه تفاوت سریع و فاحش میبینم که حقیقتاً از خود میبرسم چه حامی دو کار تغییر هدف شا مؤثر افتاده است .

من وقتی که چهار و پنجال پیورده دیروز شا را در طرفنداری از حزب توده بظلمت می آوردم و داد و فالی که بسر روزنامه شیباز راه انداختید که چرا از کانه حبوب توده در گروس دفاع نمیکنه با امروز که هر کس از جنبه کلوب حزب توده عبور کنه نفس باو میدهمه چلو چشم پیوردم بر این حد زدن فنا تلبا متاثر میشوم .

وقتی من که در روزنامه در باره مبارزه فنی میگردم و نامه مذکور بچو افراطی هم بود تا این حد از حزب توده که دفاع نی کرده هیچ بلکه انتقاد نیو به اصال خرابکاران حزب مزبور می نمودم و امروز هم شان قنایه را دارم بظنم بچوب توده که کاملاً خوب است و نه کاملاً

بد ، زیرا میدانم که هر فرد اجتاعی وقتی در از این وضع و اوضاع خواهد بود که هدف و مشخص و ثابت باشد ، چنی هاشته که تغییر هدف می دهته اما دو برابر یک حامل مؤثر و اهمیت داری اما اگر کسی خواست بی برسی روی واسطه وجود یک فرد غیر مؤثر و حامی تحصیل کنه (مثل شا که دیروز به پورپور نفسی داده و امروز جناب خطاب میکشید) خیلی مایه ناسف است ؛ ها که عکس آنای

مؤثر و سرولیت ایشان در مسل اهد مولیت هم باشد ولی چون سخن ایشان منطقی بوده به نفع پدرم تا امروز چوری نوهفم و جهامت را در نظر داشتم اما شا آنچه هد به و همه نویه پورپور چشمان را چنان غیره کرد که بکلی خود را گم کرده!

من میدانم که یک نسبت از حلات شا به معالین پورپور در پره متوجه من است زیرا ظم سوبه کته کردن دشته فلوز نامشروع پورپور دو گروس خیلی کتک کرده و بسیاری از مردم را بهیفت آهنا سوده است ولی این را بدانید که هرچه بیشتر به معنای گروس حله کنید و ناموا بگوئید بای خودتان بیشتر در کل ولای محکومیت فرودید .

تویش رفتو روغن صورت کاری برای هیچکس صورت نداده مردم نظیر گروس هم گناهی نداره که شا با تشریفه یک غیر محلی را با ایشان تحصیل سازید ، گو که مردم چشم و گوششان باز است و بییر تبلیغ محسوس توجه هاشه ویش از این مؤثر و امی نگرد اما شا چگونه وجدان خود را به این اعتراف راضی می کنید!

از اینکه امروز شا به بطول شا زبنت برای مرداه سالنی چون آنای سید زاده هر گروس ظاهراً مسامحه ییاهد متعسف نیست زیرا در جاهیکه نیاز تبت و دور روی تابلو مطبعت نای زده کی سر وی چون آنای دکتر مصدن را بکیرده هکار ضالع او ، مسامت با تهمید و بیلا خواهد شد .

من در تذکر این مطالب بنشاد و وجدانم سوکنه میخوم که هیچ غرض جز خیر و صلاح مردم گروس و شا ندارم و هم چنانکه در طی مقالات شده خود از حقوق مشروع مردم آتینا دفاع کرده ام باو هم می کنم و البته حرف من تلخ است و به مدافن خیلی عاشوش تهباید .

من با گناهی میل حاضر میجو اب های منطقی هارا بخوام و یاها در میدان ظم و راه مشروع منطق گفتگو کنم ، خواهشتم بنام آزادی مطبوعات نامه مرادبون تحریف درج کرده و هر باسخ مشروعی (البته بازم نمیش در کار نباهد) بین بدید منم با گناهی میل جو ابهای منطقی شا را می شنوم .

من نامه ابرو باخاله این مطلب که احتیاج بظلم فرسانی در روزنامه هاش ندارم و شاید جامعه مطبوعات سراشتاسد و فقط یک حق مشروع ملی و اادوم بنگارش این سطور نبود خانه داده و علاقه خود را به مولیت اجناسی ها (از لحاظ هنر فنی که دارد) و تقدیم حواطف دوستانه اظهار مینمایم .

جلال طاهری دانشجوی حقوق

پورپور و در روزنامه خود گزار و از او ستایش میکند آیا میداند که هسبت اجناسی ها که یک دکتر تحصیل کرده هشتید خیلی بالاتر از اوست ؟ و مردم گروس بشا بیشتر از او اهمیت میدهند ، و توقع هان ایشار امثال هاشیلی زیاد و نظرهان به تیب تحصیل کرده خیلی خوب و صبیانه است .

ما که با هواران و ساپل و امید از راه دور به تحصیل علم آمده و وارد میدان اجتاع شده ام تصور نمیکنید فقط بچودمان تلقن داریم ؟ شیر . . . ما پیش از آنکه بشود متلقن بشاهیم بهامه متلقن و اجتاع یک قدرت عالی و قادری است مانون امثال گنر دارا . ما بظرف جراحی هشتیم که پایه هادی و راهقاری نوم غشود باشیم ، هیچ میداید که تو فعات مشروع گروس ها از شا و آنای ملی امیر امیرانی مدیر مشرک خواهی نیبا و جوانان تحصیل کرده دیگر پیش از ساهین است!

آیا این شایسته است که یکی از مایه غیر مسلخی غیر مسرولف را که صلاحیت سیاسی و اجتاعی برای نایبته کی مجلس نداره تقویت کنیم و با تلق و چاپلوسی عکس او را در روزنامه خود گزار و از هسبت او تلمسراسی کنیم!

شا اگر هم مشروعی برای ارشاد نوم بریده افتید چه کسی از شاری می گردانده با آشوش بازار شاور امثال شا استقبال میگردند ولی چه میتوان کرد که هاشا با هر چه خودتان را کوچک و ذبون مینمایید .

شا در عرض مدتی کمتر از یک سال بطوری ناگهانی بازی کردید که نویسنده های دیگر گفتو را خجیل نموده بدست است که بسیاری از روزنامه های ما اینطور نوبلی به میقت آن روزنامه های که از اهداف مشرف نشده اند و لو باطل هم بگریخته تاج خدمتود احترام جامعه هشتند ...

من خیلی متاثرم که شا و ادرا از اید وجود مردانی شرافتمند مثل آتینان سعید زاده و امام جمعه و کانس السلطنه امیرانی و علی اصغر امیرالی و سایر آتینان عظامی که از برجستگان نوم اند تا گو و مداح پورپور به بینم .

من که تا امروز کتسه راجع به صلاحیت آنای ناسططاهری (ناصر سخنان) و اندر گوارد که تحصیل کرده مدرسه آلیانس فرانسه و ۲۵ سال سابقه خدمت گزاری در دستگاه دولتی دارم بنا بر صریح خود ایشان که میفرمایند « او طلب زیاد موجب تفرقه است چوری تو فعات هر صورتیکه هاید با تجماس با عناصر

اسرار بارزات

که بصورت باورنی در این روزنامه انتشار یافته تا در هتک دیگر بشکل کتابی در دسترس علاقه مندان ترار خواهد گرت .

بهاء هر جلد ۲۰ دیال میباید برای شارجه مریته پشی هم بآن اضافه میفود